



۲۳ آوریل ۲۰۰۹



مامه و میر حسین!

ارگان‌ها صورت می‌گیرد ممنوع اعلام شده. چرا که برخورداری از حداقل شناخت از مسائل اجتماعی، سیاسی، و ... اگر ارتباط مستقیمی با سن و سال افراد ندارد، نزد افرادی که از نظر «بلوغ» عقلانی صغیر به شمار می‌روند به هر صورت و به هر تقدیر چنین شناختی وجود نخواهد داشت. پس چه بهتر که اینان در انتخابات شرکت نکنند.

امروز شاهدیم که در سرزمین «استبداد جمکرانی»، بر محور سن رأی‌دهندگان میان جناح‌های مختلف هم دعواي «انتخاباتی» به راه افتاده! می‌بینیم که اگر نفس احترام به آراء و افکار عمومی اصولاً در این نوع حکومت‌ها محلی از اعراب ندارد، صحنه‌سازی و مردمی‌نمائی چگونه می‌تواند در پس پردهٔ یک استبداد منفور تبدیل به دکان و دستک جهت‌کلاشی شود. همانطور که می‌دانیم در هیچیک از دموکراسی‌های شناخته شدهٔ جهان افراد زیر ۱۸ سال از حق رأی برخوردار نیستند؛ حتی در برخی کشورها شرکت افراد زیر ۲۱ سال در روند انتخاباتی که جهت تعیین نمایندگان در بعضی

همانطور که می‌بینیم مسئله این نیست که دولت غلط عمل می‌کند! دعوا بر سر این است که آمارها با یکدیگر همخوانی ندارد! شاید اصلاً برای «همخوان» کردن همین آمارهاست که دولت با این عملیات دوفوریتی تلویحاً چنین می‌گوید، «آمار در انتخابات آینده، بی‌آمار!» البته ما ملت که با حکومت ملاها از این حرف‌ها نداریم. خودشان می‌برند، خودشان هم میل می‌فرمایند. فردا هم رادیو و تلویزیون اسلام‌آشنای جمهوری امت مسلمان خواهد گفت، «یکصد میلیون نفر واجدین شرایط به احمدی‌نژاد رأی دادند! قبول ندارید، بروید بشمارید!» ما از همین لحظه اعلام می‌کنیم که آقای احمدی‌نژاد رئیس جمهوری آینده این حکومت شترگاولپنگ هستند، و از هم‌میهنان عزیز تقاضا داریم هنگام شرکت در برنامه‌های مارگری جمران حجاب اسلامی را رعایت کنند؛ آدامس نجوند؛ «اس‌ام‌اس» حرام و مکروه نزنند؛ چشم‌شان را درویش کنند؛ دید نزنند؛ اگر هم دوربین خبرنگاران خارجی دیدند انا لبخند عشوه‌گرانه بزنند شاید که خواستگار خارجی پیدا کنند و مجبور نشوند در انتخابات آینده شرکت داشته باشند! این بود وصیت ما به هم‌میهنان و امیدواریم که سالیان دراز در کنار احمدی‌نژاد بخوبی و خوشی روزگار بگذرانند و به پای هم پیر شوند.

در مورد آراء نوزادان پیشنهاد ما این است که در روز انتخابات بدون پوشک، با یک جفغه و پستانک تحت نظر حجج اسلام به حوزه‌ها بیایند. اگر نوزادی جفغه را تکان داد و گفت، «ددر» مقصودش این است که می‌خواهد با کروی برود «ددر»! پس رأی این نوزاد به حساب شیخ اصلاحات منظور شود. اگر نوزاد پستانک را مکید و گفت «ممه»! مقصود این است که می‌خواهد با «میرحسین» برود چپ‌نمائی کند. اگر هم بغض کرد و شاشید به ریش حجج حتماً به استقبال دولت احمدی‌نژاد رفته، و با این عمل عواقب رأی خود را هم همانجا قبول می‌کند. با توسل به این شیوه «بیان جسمانی» می‌توان برای تضمین دوام و بقاء نظام از تمامی نوزادان کشور اخذ رأی کرد.

ولی حال که سخن از دوام و بقاء به میان آمد، امروز کاشف به عمل آمده که طالبان از نظر دوام و بقاء حرف ندارند! این طالبان که ارتش خداترس ایالات متحد در کوه و کمر گویا پدرشان را در آورده بود، بر اساس گزارشات چپ

این «برخورد» با مسئله آراء مردم، دقیقاً ریشه در همان احترامی دارد که هیئت حاکمه در یک دموکراسی می‌باید برای آراء عمومی قائل باشد. می‌باید حداقلی از احترام و رعایت آراء عمومی در روش حکومت منظور شود! ولی در حاکمیتی که آراء عمومی تبدیل به چماق مشت‌ی عملی سیاست خارجی شده پر واضح است که نه تنها زیر ۱۸ ساله‌ها که حتی نوزادان نیز می‌توانند حق رأی داشته باشند! اصلاً چه کسی گفته که نوزادان از شناخت مسائل اجتماعی و سیاسی عاجزاند؟ مگر همین روایات شیعی مسلکان نیست که ادعا دارد علی پسر ابی‌طالب در شکم مادرش قرآن می‌خواند؟ البته این «قرائت قرآن» در شکم مادر از آن داستان‌هاست؛ در آن روزگار هنوز قرآن کذا بر پایه همان روایات و احادیث «نازل» هم نشده بود! ولی پر واضح است اگر حکومتی این مزخرفات را پایه حاکمیت و سیاست و روابط اجتماعی می‌کند، می‌تواند به کبوترهای آسمان مشهد «مقدس»، و گنجشک‌های حیاط خلوت مقام معظم هم حق رأی بدهد! اینهمه از اینرو که اصولاً این تشکیلات برای رأی مردم در مفهوم دموکراتیک کلمه هیچگونه ارزشی قائل نیست.

بله همانطور که گفتیم دعوا بر سر سن رأی دهندگان بالا گرفته و دولت احمدی‌نژاد پس از موفقیت بزرگی که در نشست «دوربان ۲» برای جهان اسلام و خصوصاً ملت ایران «تحصیل» کرد، اینک می‌باید به معضل «انتخابات» نیز رسیدگی کند. و همین هیئت حاکمه انا دست بالا زده و چند هفته به انتخابات مانده، یک طرح دوفوریتی به «مسجد جمران» فرستاده تا اوباشی که روی صندلی‌های گرم و نرم آن با بودجه ما ملت چاق و چله می‌شوند، هر چه زودتر سن رأی‌گیری را سه سال تقلیل دهند و از ۱۸ به ۱۵ سال برسانند!

البته همانطور که می‌توان حدس زد در این «بازی» دموکراتیک، مخالف‌ها هم حرفی برای گفتن دارند! بله ملت ایران در استخر دموکراسی شناور است؛ جمرانی‌ها جناح «مخالف» هم دارند، فراموش نکنید! با این وجود مخالفان نمی‌گویند حق رأی به نوجوانان به معنای تخطئه اصل دموکراسی سیاسی است؛ مخالفان نمی‌گویند دولت حق ندارد قانون انتخابات را چند هفته قبل از انتخابات ریاست جمهوری با دوفوریت، مثل دزدی که از دیوار مردم بالا می‌رود به مجلس بفرستد! اینان کاری به این حرف‌ها ندارند، از خودشان هستند، دعوا بر سر اعداد و ارقام است! به طور مثال «بی‌بی‌سی» دیروز از قول مخالفان می‌گوید:

«وزارت کشور چند روز پیش تعداد واجدان شرایط رأی دادن در دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری را ۴۶ میلیون و دویست هزار نفر اعلام کرد. اما منتقدان دولت می‌گویند این رقم با آمار اعلام شده در سرشماری جمعیت ایران در سال ۱۳۸۵ همخوانی ندارد.»

منبع: بی‌بی‌سی، ۲۲ آوریل ۲۰۰۹



و راست در حال حاضر تا اسلام‌آباد، پایتخت پاکستان صد کیلومتر بیشتر فاصله ندارند! دیدید چه شد؟ این‌ها که همیشه در اسلام‌آباد بودند، امروز بر اساس گزارشات فقط یکصد کیلومتر با این شهر فاصله دارند! این مسئله اصولاً برای ما غیرقابل حل شده؛ چطور ممکن است کسی هم در اسلام‌آباد باشد، و هم بیش از یکصد کیلومتر با آن فاصله نداشته باشد؟ اگر کسی توانست این معما را حل کند، برای انتخابات ریاست جمهوری جمران هم یک فرمول برای مان بفرستد. به کسی که چنین فرمولی پیدا کرد، محفل نوبل و «پن‌کلاب» و دیگر دفتر دستک‌ها جایزه می‌دهند، و عین «مندلیف» جدول‌اش را می‌زنیم توی کتاب‌های شیمی و او را حسابی به جهانیان معرفی می‌کنیم. مگر ملت ایران «مندلیف» لازم ندارد؟ پیشرفت‌های علمی مدیون همین مندلیف‌هاست. چه در اسلام‌آباد باشند و چه بیش از یکصد کیلومتر از آن فاصله داشته باشند.

بله، این طالبان که قبلاً فقط در کابل دولت تشکیل می‌دادند، این روزها به اسلام‌آباد هم آمده‌اند! یعنی قبلاً هم در اسلام‌آباد بودند، به کسی نمی‌گفتند! قرار بود که در اسلام‌آباد نباشند، در کابل باشند، و اسلام‌آباد یواشکی برای شان موشک و فش فشک بفرستد تا از آنجا بزنند پدر صاحب‌بچه را در بیاورند. حال مثل اینکه قرار شده لژیون‌های مسلح و هنگ‌های زره‌ای «طالبان» پاکستان را بار دیگر فتح کند. و پریزدنت «زرداری» که اینهمه مورد الطاف اوباما و دوستان‌اش قرار گرفته فرار کند و بیاید به «جمران» تا در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کند. می‌بینید که تمام این برنامه برای این است که شرکت ملت مسلمان در انتخابات گرم و داغ باشد.

امروز «مهرورزی» در یک سخنرانی داغ و پرماجرا، قرار گذاشت که به هر ایرانی بین ۵۰ تا ۷۰ هزار تومان «یارانه» بدهد. «هان ببین که ایران شد گلستانا!» اینکه برنامه چهار سال پیش کروی بود! اصلاً بی‌جهت نیست که به کروی می‌گویند «شیخ اصلاحات»! اصلاحات عین گلوله‌های عرق از سر و رویش می‌ریزد. و برای همین است که رأی نمی‌آورد! ولی از آنجا که در مملکت ایران پول باید خرج آن‌هائی بشود که ایرانی نیستند، فکر می‌کنم احمدی‌نژاد هم قرار شده رأی نیاورد. و برای همین است که پول را از همین الان می‌دهد دست مردم. یعنی قرار می‌شود که پول به مردم بدهند؛ ولی از آنجا که رأی نمی‌آورد، حسن‌نیت «نظام» به اثبات می‌رسد، پولی هم خرج ملت نخواهد شد. آقا! به این می‌گویند «پولیتیک»!

پس باید حداقل «میرحسین» رأی بیاورد! ولی بعضی حزب‌الهی‌ها کار را خراب کرده‌اند، گویا به میرحسین می‌گویند «تخت‌جمشید»! کنایه‌ای است از «باستانی» بودن نظریات و برداشت‌های وی. ما به شدت مخالف‌ایم. ایشان با تخت‌جمشید هیچ ارتباطی ندارند. پایتخت یک مشت آتش‌پرست زندق و خدانشناس به ایشان چه ارتباطی دارد؟ میرحسین خداترس، نمازخوان، روضه‌گیر، وضوگیر، و همه چیز «گیر» است. ایشان اصلاً به همه چیز «گیر» می‌دهند. در ثانی، تخت‌جمشید در خاک و بیابان افتاده، مراجع ندارد! مردم با تخت‌جمشید کاری ندارند. یک

مشت توریست می‌روند و عکس می‌گیرند. تا حال دیده‌اید توریست‌ها با میرحسین عکس بگیرند؟ اصلاً و ابداً! توریست‌ها اگر ایشان را ببینند فرار می‌کنند و صنعت «جهانگردی» مختل می‌شود. مردم با فریاد «نه شیر شتر و نه دیدار عرب» به خانه‌های شان پناهنده شده در محل امن «سنگر» می‌گیرند. پس اگر کسی گفت تخت‌جمشید، از طرف امام راحل «توی دهانش بزنید!»

با این وجود ما پیشنهاد می‌کنیم که نام مناسبی برای «مهندس» پیدا کنند. تخت‌جمشید که دیدیم هیچ مناسب نیست؛ میرحسین هم که نشد اسم! باید اسمی پیدا کنیم که هم «اسلامی» باشد؛ هم نشان از قدمت و ثبات قدم داشته باشد؛ هم مراجع فراوان داشته باشد؛ هم در مرکز شهر تهران یعنی همانجائی قرار داشته باشد که میرحسین در خانه‌های امن زندگی می‌کند! بنده با در نظر گرفتن تمامی این «ویژگی‌ها» پیشنهاد می‌کنم که به ایشان بگوئیم «خلای مسجد شاه!» هم مراجع زیاد دارد؛ هم کسی در آن عکس نمی‌گیرد و زبان‌مان لال بی‌ناموسی نمی‌کند؛ هم از قدمت فراوان برخوردار است، و نهایت امر می‌دانیم که قسمتی است از فرهنگ و سنن جمرانیان!

بله، «خلای مسجد شاه» در کمال تأسف هنوز برنامه خود را اعلام نکرده. ولی می‌توان حدس زد که برنامه مفرح و آموزنده‌ای داشته باشند. و اگر دوستان نادان ایشان در برابر موفقیت‌های انتخاباتی سنگ‌اندازی نکنند، به فضل الهی «خلای مسجد شاه» به ریاست جمهوری جمران نائل شده راه فلاح و صلاح را به امت مسلمان نشان خواهد داد. ما هم امیدواریم که همه نوزادان در روز رأی گیری بگویند: «ممه»!

